

## ترانه‌های کار در منطقه مَکریان<sup>۱</sup>

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۶)

شهناز ابوبکری<sup>۲</sup>

### چکیده

اقوام مختلفی که در ایران زندگی می‌کنند، فارغ از ویژگی‌های قومی و مشخصه‌های منطقه‌ای، دارای اشتراکاتی هستند که مجموع آنها بخشی از هویت ایرانی را تشکیل می‌دهد. یکی از این اشتراکات، ادبیات عامه، همواره اقوام مختلف ایرانی است و از این میان، آواهای کار به‌عنوان جزئی غنی از ادبیات عامه، همواره مورد توجه پژوهشگران رشته‌های ادبیات، هنر و بویژه موسیقی بوده است. در این مقاله ترانه‌های مختلف شیردوشی، مشک‌زنی، زراعت، همیاری و باللوره به صورت میدانی گردآوری شده‌اند. رویکرد نظری مقاله، روش تفسیری گِیرتْز مبنی بر ضرورت نگاه امیک و نگاه به درون برای تحلیل و تفسیر پدیده‌های فرهنگی بوده است. ترانه‌های کار از ژانرهای بسیار رایج فولکلور به‌شمار می‌روند و در میان تیره‌های گوناگون اقوام مختلف ایرانی کاربرد دارند؛ سراینده‌گان آنها مشخص نیستند و بیشترشان در میان روستاییان رایج‌اند. ویژگی اصلی ترانه‌ها، سادگی آنهاست. این سادگی در ضرب‌آهنگ، ملودی و شعر آنها خود به خود رعایت می‌شود، چرا که عموماً ساخته عوام‌اند یا برای عامه مردم ساخته شده‌اند. تنها پناهگاه و تنها مرکز حفظ و اشاعه آنها نیز پسند توده و ذهن همان مردمی است که این ترانه‌ها را گرامی می‌دارند و نسل به نسل منتقل می‌کنند. همچنین برخی آواها مختص یک فرهنگ خاص هستند و اشعار شبیه آنها در دیگر مناطق به چشم نمی‌خورد. غالب ترانه‌های کار، مربوط به مشاغل روستایی در فضای بازند اما برخی هم مانند ترانه‌های ویژه بافندگی‌ها در فضاهای بسته خوانده می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: ترانه‌های کار، مَکریان، ترانه‌های شیردوشی، ترانه‌های مشک‌زنی، باللوره، همیاری.

۱. این مقاله برگرفته از پژوهش «ترانه‌های کار در شهرهای کردنشین جنوب استان آذربایجان غربی (منطقه مَکریان)» است که برای مرکز تحقیقات صداوسیما در واحد پژوهش مرکز مهاباد انجام شده است.

۲. کارشناس ارشد علوم ارتباطات و پژوهشگر مرکز صدا و سیما مرکز مهاباد. رایانامه: sh.abobakri@gmail.com

## ۱. مقدمه

کنکاش در وقایع گذشته و سیری در سرگذشت فرهنگی و تاریخی مردمان این دیار، در گرو بررسی زندگی نیاکان سختکوش این سرزمین است. در روزگاران گذشته، هنگامی که انسان‌های اولیه درختی را می‌افکندند یا بار گرانی را حمل می‌کردند، احساس می‌کردند که اگر از نظر زمانی، فاصله معینی را رعایت کنند یا به عبارت دیگر، اعمال خود را با یکدیگر موزون کنند، انجام کار برایشان راحت‌تر می‌شود. در کار دسته‌جمعی موزون، هر فردی مقداری از نیروی خود را ذخیره می‌کند. حتی امروز هم کارها بر همین منوال است و هر یک از ما هر روز در کوچه و بازار، ناظر کارهای موزون دسته‌جمعی در میان کارگران و افراد دیگر هستیم. «در حین انجام دادن کارهای دسته‌جمعی بود که اندک اندک ریتم یا وزن که مهم‌ترین عنصر موسیقی است، پا به عرصه وجود گذاشت و رو به کمال رفت». (آذین‌فر، ۱۳۶۱: ۵۸۰)

آواهای کار با وجود نزدیکی در مضامین، به طور معمول، بسته به فرهنگ‌های مختلف، تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. اما جالب اینجاست که «مختصات کلی آواها و مضامین آنها، با عبور از نسلی به نسل دیگر کمتر تغییر می‌کند و همین مشخصه‌ها می‌توانند به شناسایی اقوامی که در کلیات مفاهیم فرهنگی با یکدیگر قرابت بیشتری دارند، کمک کنند» (حنیف، ۱۳۸۶: ۴۱) حال پرسش اساسی مقاله حاضر این است که ترانه‌های کار در مناطق کردنشین کدام‌اند؟ با بررسی و تحلیل محتوای مضامین گونه‌های مختلف ترانه‌های عامیانه مردم این خطه از میهن‌مان می‌توان تا حدودی با خواسته‌ها، آرزوها و روحیات و نوع نگرش آنها به زندگی و ... آشنا شد. نکته قابل توجه درباره ترانه‌های کار این است که اغلب آنها افزون بر اینکه خود از فرآورده‌های فرهنگی هستند؛ ابزار مؤثر و مفیدی برای انتقال عناصر فرهنگی مختلف از جمله فنون، ارزش‌ها، هنجارها و باورها از نسلی به نسل دیگر به شمار می‌روند و در عین حال، نشانه‌های گویایی از دادخواهی‌ها، نارسایی‌ها و دشواری‌های زندگی اقشار و طبقات جامعه در زمان گذشته هستند. از سوی دیگر، از آنجا که «ترانه‌های عامیانه با آهنگ

### ترانه‌های کار در منطقه مَکریان ❖ ۱۳۳

خاص خود خوانده می‌شوند، ضبط آنها می‌تواند مصالح لازم را برای موسیقی فراهم آورد و در حفظ هویت ملی مفید واقع شود». (داورپناه، ۱۳۸۲: ۸۵)

زمان و چگونگی پیدایش آواهای کار همچون بسیاری دیگر از جنبه‌های فرهنگ عامه در حاله‌ای از ابهام قرار دارد؛ زیرا فرهنگ غیرمکتوب، قابلیت ثبت دقیق رویدادها را در خود ندارد و همین‌رو می‌توان تاریخچه پیدایش آواهای کار را به عنوان بخشی از ادبیات عامه، با نخستین تلاش‌های هدفمند انسان برای تغییر وضعیت خود مرتبط دانست. به عبارتی، آواهای کار را باید تابعی از روند تحول زندگی بشری دانست و خلق و تکوین آنها را در سیر تغییرات و مراحل مختلف زندگی جستجو کرد (سفیدگرشهانقی، ۱۳۸۸: مقدمه). بی‌تردید، ابتدا آواهای کار شکارگری خلق شده‌اند، زیرا شکارگری را می‌توان اولین شغل بشر دانست و پس از آن دامداری و کشاورزی، زمینه سرایش آواهای دیگری را در ارتباط با این مشاغل به وجود آورده‌اند؛ در نهایت نیز آوایی که به کار در زندگی شهری مربوط می‌شوند، پدید آمده‌اند. (حنیف و آنی‌زاده، ۱۳۸۶: ۶ - ۵)

ترانه‌های کار در هنگام کار و تلاش، برای رفع خستگی و در عین حال، هماهنگی در کارهای گروهی، بین اعضای گروه خوانده می‌شود. از ویژگی این گونه ترانه‌ها این است که نواهایشان با حرکات بدنی افراد یا کاری که انجام می‌دهند، در هماهنگی کامل قرار دارد. ترانه‌هایی که هنگام کار خوانده می‌شوند، از لحاظ موسیقی و کلام، پاسخگوی نوعی نیاز حسی، عاطفی هستند و به رفع خستگی که با بهره‌وری از نتیجه کار به دست می‌آید، کمک می‌کنند. اصولاً موسیقی، نوا و آهنگ اقوام در کار و تلاش ایرانیان برای دستیابی به یک زندگانی شرافتمندانه نقش اساسی داشته است. ترانه، نگاه قوم به زندگی و جهان‌بینی و روان‌شناسی توده‌های مردم است (سفیدگرشهانقی، ۱۳۸۸: مقدمه). در مناطق کردنشین کشورمان از گذشته‌های دور، هر نوع کار و تلاش، ترانه‌های خاص خود را می‌طلبیده است؛ ترانه‌هایی که هم از منظر فرم و شکل و هم از دید مضمون و موضوع، تفاوت‌های اساسی با یکدیگر داشته‌اند. از سوی دیگر، متناسب با موقعیت جغرافیایی و آب و هوایی این سرزمین، شیوه‌های معیشتی گوناگونی در این گونه ترانه‌ها رایج بوده است. این ترانه‌ها بیشتر به صورت شفاهی، همچنان در بین

## ۱۳۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

مردم رواج دارند اما متأسفانه در راه جمع‌آوری آنها تلاش‌های اندکی صورت گرفته است؛ و ترانه‌هایی هم که ضبط شده‌اند، تنها درباره قسمتی از فعالیت‌های زنان و انعکاس کار و تلاش آنان هستند. بررسی آواهای کار اقوام ایرانی، نحوه زیست و تعامل آنها را با منطقه خاص جغرافیایی‌شان نشان می‌دهد. تأثیر آب و هوا، نوع زندگی، نگرش هر قوم به کار، رابطه آنان با ابزارهای کار، شیوه معیشت و علایق و احساسات قوم موردنظر را پیرامون مشاغل مختلف بیان می‌کند. تنوع آواهای کار و رواج آن در میان اقوام مختلف، بیانگر جایگاه والای کار در میان مردم این دیار است؛ چه، بیکاری از دیدگاه همه ایرانی‌ها امری مذموم است و مردم برای فرد تنبل و بیکار هیچ ارزشی قائل نیستند (حنیف و آنی‌زاده، ۱۳۸۶: ۸ - ۷). با جمع‌آوری بیشتر و بررسی مضامین و درونمایه‌های غنی این ترانه‌ها می‌توان تا حدودی به روان‌شناسی افراد جامعه و نگرش‌های آنان نسبت به زندگی و مسائل و مشکلاتی که در جامعه خود با آن مواجه بوده‌اند، پی برد؛ موضوع مهمی که کمتر مورد توجه واقع شده است.

مهم‌ترین مفاهیم و واژه‌های کلیدی مقاله که نیاز به تعریف مفهومی دارند، عبارت‌اند

از:

**ترانه‌های کار:** منظور از ترانه‌های کار، آواها و نواهایی هستند که در حین کار، برای کار و به واسطه کار خوانده می‌شوند. ترانه‌های کار، بخشی از ترانه‌های عامیانه هستند که در پیوند با کار فیزیکی و کار زاینده و مولد قرار دارند. (فرهادی، ۱۳۹۲: ۱۱۴)

**ترانه‌های عامیانه:** یعنی شعرهایی که در میان توده مردم رواج دارند و اغلب همراه با ساز و آواز خوانده می‌شوند و یکی از ذخایر گنجینه ادبیات ملی ایران قلمداد می‌شوند. گوینده و سراینده این ترانه‌ها و تاریخ پیدایش آنها معلوم نیست. این ترانه‌ها یا در حقیقت، ناله‌ها و فریادها، زبان به زبان و سینه به سینه گشته‌اند و اغلب دچار تغییرات و تحریفات شده‌اند و اینک به صورتی که دارند، به دست ما رسیده‌اند. این جملات ساده، پرشور و آهنگ‌دار که همچون شعرهای رسمی، زیاد در بند وزن و قافیه نیستند، روح آزاد و زندگی ساده و بی‌تکلف مردم را تجلی می‌دهند و در آنها عشق‌ها، امیدها و عواطف و هیجانات این مردم ساده یا وصف جلوه‌ها و زیبایی‌های طبیعت موج می‌زند. (آرین‌پور، ۱۳۸۲: ۵۰۴)

## ترانه‌های کار در منطقه مکریان ❖ ۱۳۵

**مکریان:** به معنی اخص، محل سکونت کردهای مکری بوده و ساوجبلاغ (مهاباد) مرکز آن محسوب می‌شده است (بیات، ۱۳۷۹: ۲۳۲). البته این نکته قابل ذکر است که مقر اصلی ایل مکری در زمان حکومت شاه عباس اول، منطقه مراغه و آنان ایل در ناحیه‌ای به نام گاوردول یا گاودول (دول در زبان کردی به معنی دره یا چاه عمیق است) اقامت داشته‌اند (زکی‌بیگ، ۱۳۸۹: ۲۷۹). روژبیانی محدوده مکریان را در عصر ناصری شامل شهرهای سلماس، ارومیه، اشنویه، لاجان، نقده، پیرانشهر، صائین‌قلعه، ساوجبلاغ، بوکان، میان‌دوآب، مراغه، سردشت، سقز، بانه و مناطق دیگری در این حدود می‌داند که امروزه بخش اعظم استان‌های آذربایجان غربی و کردستان ایران را تشکیل می‌دهند (روژبیانی، ۱۳۸۱: ۳۱). امروزه مکریان، شهرستان‌های سردشت، پیرانشهر و بانه (درحوزه آبریز رودخانه زاب) و شهرستان‌های مهاباد، نقده، اشنویه، بوکان و سقز (درحوزه آبریز دریاچه ارومیه) را دربرمی‌گیرد. (خضری، ۱۳۷۹: ۵)

### ۲. پیشینه پژوهش

در خصوص ترانه‌های کار و بویژه ترانه‌های کار مکریان، مطالعات و تألیفات متعددی صورت گرفته است که در این بخش به بررسی برخی از مهم‌ترین آنها خواهیم پرداخت: - فاروق صفی‌زاده (۱۳۷۵) در کتاب *پژوهشی در ترانه‌های کردی* اشاره می‌کند که اشتراک‌های درونی آواهای کار، این آثار گرانقدر را به آثاری با زبان جهانی تبدیل می‌کند؛ آثاری که از جنبه‌های عاطفی قوی و به طور معمول، قدرت تأثیرگذاری فراوانی برخوردارند. به نظر می‌رسد که اولین قدم در انجام چنین کاری، شناخت ابعاد گسترده این آواها باشد.

درباره اینکه کدامین ترانه کهن‌تر و عمرش درازتر است، دوگانگی وجود دارد. صفی‌زاده معتقد است، برخی بر این باورند که ترانه چوپان (گورانی شوان)<sup>۱</sup> کهن‌ترین گونه «ترانه کردی» است، زیرا چوپانی از دیرباز در میان ایل‌های کرد رواج داشته و حتی عمرش از ترانه کشاورز (گورانی جوتیار)<sup>۲</sup> درازتر است. برخی دیگر معتقدند که ترانه

1. gorâni šuvân

2. gorâni jutÿâr

کار کهن تر است و برخی دیگر، ترانه کیش (گورانی ئایینی)<sup>۱</sup> یا آیینی را کهن تر می‌دانند، زیرا کردها از دیرباز دارای کیش‌هایی بوده‌اند (از جمله این ادیان می‌توان زردشتی، یارسان و ایزدی را نام برد) که در آن با اهورا مزدا به راز و نیاز پرداخته‌اند و این خود گویای راستی این باور است (صفی‌زاده، ۱۳۷۵: ۵۴ – ۵۳). بیشتر ترانه‌های فولکلور کردی دربرگیرنده دو پاره‌ای است که هر پاره آن، پنج برش<sup>۲</sup> دارد. (همان: ۱۶) – محمدی مکرری (۱۳۲۹) نیز در کتاب *گورانی یا ترانه‌های کردی* به گونه‌های مختلف ترانه‌های مردم کردزبان اشاره کرده است.

– محمدصالح ابراهیمی محمدی (۱۳۷۴) در کتاب *باوی کورده واری*<sup>۳</sup> به مطالب مفیدی در خصوص ترانه‌های مربوط به مشک‌زنی اشاره کرده است. صلاح پایانی (۱۳۸۱) در کتاب *کائی مرادان*<sup>۴</sup> پس از دسته‌بندی ترانه‌ها در قالب‌ها و مضامین متعدد از قبیل ترانه‌های مربوط به سوگ و عزاداری، عروسی، لالایی‌ها، بیت و حیران<sup>۵</sup>، در بخشی از کتاب، به ترانه‌های کار در مناطق کردنشین پرداخته است.

– هاشم سلیمی (۱۳۹۳) در کتاب *ترانه و ترانه‌خوانی در فرهنگ مردم کرد* گونه‌های متنوعی از ترانه‌های کار را ارائه داده است.

– حسین محمدزاده (۱۳۹۶) پژوهشی را با عنوان *نوع و محتوای ترانه‌های کار در استان کردستان* انجام داده است. نتایج مطالعه او نشان می‌دهد که تنوع ترانه‌های کار بسیار زیاد است و طبقه‌بندی مستدل آنها کاری ضروری است. محتوای ترانه‌ها حاکی از این است که این آواها هنری اجتماعی هستند که از سوی افراد عادی و در جریان امور زندگی، برای ناکامی‌های فردی و اجتماعی، حسرت‌ها و تمناهای زندگی خواننده می‌کنند. این ترانه‌ها را در حین تلاش و کوشش و کمتر در اوقات فراغت اجرا می‌کنند. شاعر ابیات و همچنین هنرمندان آنها، اغلب ناشناخته‌اند و ترانه‌ها بیشتر به صورت فردی و گاه نیز به صورت جمعی خوانده می‌شوند. اکثر این ترانه‌ها مربوط به مشاغل

1. gorâni iâyini

۲. هجا

۳. باوی کورده واری به معنی آداب و رسوم رایج در بین کردها

۴. کائی مرادان به معنی چشمه‌ی آرزوها

۵. نوعی آواز محلی است.

### ترانه‌های کار در منطقه مکران ❖ ۱۳۷

سنتی و فقط یک مورد آنها مربوط به وضعیت پیشا صنعتی است. ترانه‌ها بازتاب شرایط متنوع اجتماعی، نوع شغل و تولید، مشکلات متعدد و در عین حال، نشانه‌ای از رویارویی مدرنیته مهاجم با سنت‌های قدیمی هستند که در دست مردمانی بدون انتخاب گیر افتاده‌اند. (محمدزاده، ۱۳۹۶: ۷۵)

- عوسمان شاربازی‌ری در کتاب «کوله‌باری از ترانه‌های اصیل کردی» (۱۹۸۵) به جمع‌آوری بخش عظیمی از آواها و نواها اقدام کرده است. او در پژوهشی دیگر (۱۹۸۵) ترانه‌های کردی را به ترانه‌های شبانی، کشاورزی، سبک تند، لالایی، شیردوشی، کودکانه، عاشقانه، میهنی و مرتبط با طبیعت تقسیم‌بندی می‌کند.

در مطالعه حاضر، پژوهشگر ضمن بهره‌گیری از مطالعات و تألیفات موجود، به صورت میدانی به میان هموطنان کرد ساکن در منطقه مکران رفته و اقدام به جمع‌آوری ترانه‌هایی کرده است که برخی از آنها در منابع مکتوب ثبت نشده‌اند. مقاله از رویکرد تفسیری کلیفورد جیمز گرتز<sup>۱</sup>، انسان‌شناس امریکایی در تفسیر و تحلیل امور فرهنگی بهره‌جسته است. مفهوم فرهنگ از نظر گرتز، مفهومی معنایی است. به باور او، حقیقت به مکان وابسته است و به نوعی از دانش و حقیقت بومی دفاع می‌کند. روش گرتز روشی نمادین و به نام روش تفسیری شناخته می‌شود. در این روش، کنش را از درون و به صورت امیک مطالعه می‌کنند. در واقع، معنای ذهنی کنشگر برای درک فهم کنش در اولویت است. فرهنگ، نظامی معنایی است که برای هر قوم و گروهی، مشخصات و نمادهای ویژه‌ای دارد. اگر ما کنش یک قوم را درک نکنیم، فرهنگ آنها را نیز درک نکرده‌ایم. در این مقاله، بر این باوریم که فولکلور و از آن جمله، ترانه‌های کاری که از سوی زنان خوانده می‌شوند، بعد معنایی و تفسیری دارند و در تعامل با جامعه و محیط هستند.

### ۳. چارچوب نظری

از بعد نظری، ترانه‌های کار در چارچوب فرهنگ عامه یا فولکلور قابل تعریف‌اند. فولکلور پیامد ذهن و خلاقیت روحی انسان است و در عین حال، یک شیوه تفکر، مجموعه‌ای از دانش و نوعی هنر به شمار می‌رود. فولکلور دارای کارکرد انتقال فرهنگی

1. clifford james geertz

## ۱۳۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

است و فرهنگ‌پذیری را در میان نسل‌ها تسهیل می‌کند. پژوهشگران، فولکلور را بیشتر با عنوان ادبیات مردمی می‌شناسند که اغلب در شیوه هنر شفاهی انعکاس می‌یابد (باسکام، ۱۹۶۵: ۲۸۳). ترانه‌های کار نیز زیرمجموعه ادبیات شفاهی قرار می‌گیرند. دانش‌های عامیانه را انسان‌شناسان، بخشی مهم از فرهنگ می‌دانند. در کشور ما، دو پژوهشگر به بحث درخصوص مسائل نظری در حوزه ادبیات شفاهی و جامعه‌شناسی هنر پرداخته‌اند. تمیم‌داری (۱۳۹۳) یک فصل از کتاب خود با عنوان فرهنگ عامه را به مبانی نظری فولکلور اختصاص داده و نظریه‌های مکتب فرانکفورت را در مورد صنعت فرهنگ و فرهنگ توده‌ای تشریح کرده است. امیرحسین آریان‌پور نیز ضمن تشریح هشت نظریه مربوط به ریشه‌های اجتماعی هنر، استدلال کرده است که هنر در واقع، ناشی از نیازهای اجتماعی و اقتصادی است و باید آن را امری اجتماعی دانست. به اعتقاد وی، هنر میان افراد انسانی رابطه برقرار می‌کند و همین روابط، عامل و مبین هنر هستند. (آریان‌پور، ۱۳۵۴: ۱۰)

## ۴. بحث و بررسی

ترانه‌های کار در منطقه مکریان از قدمت بالایی برخوردارند. در فولکلورکردی، ترانه‌های عروسی، رقص، مشک‌زنی، خرمن‌کوبی و دوشیدن گاو رواج دارند؛ ترانه‌هایی که از آرزوهای انسان‌ها، زندگی و آینده، شادی‌ها، رنج‌ها و سرانجام، امید، تلاش و پویندگی سخن می‌گویند. اشعار این ترانه‌ها و واژه‌هایشان از زبان ساده‌ترین انسان‌ها گرفته شده است و تصویری طبیعی از احساسات دلدادگان جوان را بیان می‌کند. ترانه‌های کار در گویش کردی، ترانه‌های آهنگینی هستند که بیشتر در هنگام پرداختن به کار و متناسب با نوع فعالیت، به صورت آهنگین خوانده می‌شوند و انواع مختلف دارند؛ از جمله ترانه‌های شیردوشی و مشک و دوغ، ترانه‌های برزگری (درو و برداشت محصول) یا خرمن‌کوبی، ترانه‌های شکار یا صیادی، قالی‌بافی، ترانه‌های عزاداری (شین‌گیری) و غیره. این ترانه‌ها بیشتر در هنگام پرداختن به کارهای سخت و طاقت‌فرسا خوانده می‌شوند و بسته به نوع کاری که انجام می‌گیرد، ضرب‌آهنگ آهنگ‌ها، با اجرایشان هماهنگی دارد. برای شناخت بیشتر ترانه‌های رایج در فرهنگ مردم کرد، در ادامه، به چند نمونه از معروف‌ترین آنها مانند ترانه «شیردوشی و مشک، زراعت، همیاری» پرداخته می‌شود.



### ۴-۱. ترانه‌های شیردوشی

هنگام دوشیدن شیرگاو با دستان پرمحبت بانوی روستانشین، آواز نوازش گاو یا «مانگالآواندنه‌وه»<sup>۱</sup> یکی از ترانه‌های کار است. زنان مناطق کردنشین، برای دوشیدن گاو یا گوسفند آوازهای مخصوص خودشان را دارند. این آوازه‌ها شامل تعریف و توصیف گاو و یا گاهی دعا برای افزایش روزی و رزقی است که از گاو به دست می‌آید. زنان در هنگام دوشیدن شیر چنین زمزمه می‌کنند:

ne ni ne ni, mângâkemi

نه نی نه نی، مانگا کاله‌که‌می

binay mâl-u-hâlakami

بنه‌ی مال و حاله‌که‌می

runi zang bo kurakami

رونی زهنگ بو کوره‌که‌می

širi sar avirgakami

شیری سهر ئاورگه‌که‌می

برگردان: نی‌نی، نی‌نی، گاو منی، پایه و اساس خانه‌ام هستی، روغن زنگ برای

پسر می، شیر روی آتشمی. (معروف‌پور، مهاباد، ۱۳۸۹)



تصویر ۱. مروت معروف‌پور، مهاباد، ۱۳۸۹، عکاس: لطیف عادلخانی

boya pem xoša kaži bahârân

بویه پیم خوشه‌که‌ژی به‌هاران

mângâ zard dagare sar cili dârân

مانگا زرد ده‌گری سهرچلی داران

1. mângâlâvândinava

mângâ šitakam kavta evârân  
ba xyer betavah av ro la gârân

مانگا شیتکه‌م که‌وته نیواران  
به‌خیر بیته‌وه ئه‌ورو له گاران

برگردان: رفتن به کوه در بهاران را دوست دارم، در این فصل گاو محبوب ما از برگ و شکوفه درختان می‌خورد، گاو دیوانه ما به وقت عصرگاهان، امروز خوش آمد از چرا. (پراولاد، مهاباد، ۱۳۸۹)

## ۲-۴. ترانه‌های مشک‌زنی

مشک‌زنی یکی از فعالیت‌های مهم زنان در منطقه مَکریان است. کوه‌های سر به فلک کشیده کردستان از گذشته‌های دور تاکنون، مرکز دامپروری بوده‌اند، چون مشک‌زنی حالتی آهنگین دارد، کدبانوی کرد هنگام تکان دادن مشک، ترانه‌هایی را با ریتم‌های سه چهارم، هم در دستگاه شور و هم در دستگاه شوشتری می‌خواند. بسته به بزرگی و کوچکی مشک، گاهی در هنگام کوچ، مردان نیز به زنان در تکان دادن مشک کمک می‌کنند (خضری، مهاباد، ۱۳۸۹). مشک‌زنی گاه تک نفره و گاه به صورت دو یا چندنفره انجام می‌شود. مشک‌زن‌ها در حین کار ترانه‌هایی را می‌خوانند که در آنها به آرزوها و باورهای خود نیز اشاره می‌کنند (سفیدگر شهانقی، ۱۳۸۸: ۲۲۰). این کار دشوار را زنان عشایری و روستایی، هر روز بویژه ایامی که شیردهی و شیردوشی دام‌ها زیاد است، انجام می‌دهند چون در غیر این صورت زحمت آنان برای تولید فراورده‌های دامی در شرایط سخت کوچ‌نشینی از بین می‌رود. این کار بیشتر مواقع، قبل از طلوع آفتاب به انجام می‌رسد. ترانه‌ها را به صورت آهنگین زمزمه می‌کنند و از خواسته‌ها، آرزوها و درونیات خویش با مشک دوغی که منشأ درآمد و زندگی آنهاست، سخن می‌گویند (عبداللهی موگوئی، ۱۳۷۲: ۱۳۰ - ۱۲۷). گاه نیز زن شیردوش با گاوها و گوسفندان خود حرف می‌زند، نمونه‌های زیر، از این دست ترانه‌ها هستند:

awa mari keya

ئه‌و مه‌ره مه‌ری کییه

mari hosayn aqâya

مه‌ری حوسین ئا‌غایه

darwa la lâbalâya

ده‌روا له لابه‌لایه

daxwâ harz-u-kamâya

ده‌خواه‌ه‌رزو که‌مایه

## ترانه‌های کار در منطقه مُکریان ❖ ۱۴۱



شماره ۶۳ زمستان ۱۳۹۹

da toniši te dâya ده‌تونیشی تی دایه  
hay mâla bâbi min bi هه‌ی ماله بابی مین بی  
hay amr-u-čawi min bi هه‌ی عه‌مرو چاوی مین بی  
برگردان: این گوسفند از آن کیست؟، گوسفند حسین آقاست، کنار به کنار می‌رود،  
علف و گیاه می‌خورد، ده تن شیر دارد، ای همه وجودم، ای نور دیدگانم.  
گاهی در ترانه‌ها به مکان‌ها و بیلاقات مشهور اشاره می‌کنند. در منطقه مُکریان برای  
هر بیلاقی نام خاصی وجود دارد که در ترانه‌ها به نام تعدادی از آنها اشاره شده است.  
mâlmân čota âloka مالمان چوته ئالوکی  
mar daxwâ sar gloka مهر ده‌خوا سه‌رگلوکی  
ba xer bey beri hawâr xizoki به‌خیر بیی بیری هه‌وار خیزوکی  
برگردان:  
منزلمان به ئالوک<sup>۱</sup> رفته  
گوسفندمان سرچین گیاهان را می‌خورد  
ای شیردوش بیلاق خیزوک خوش آمدی. (رسولی، مهاباد، ۱۳۸۹)  
در ترانه‌های مشک‌زنی، سوز دل و دغدغه‌های زندگی زنان در نظام پدرسالاری و  
زورمداری نیز به چشم می‌خورد؛ زنان گاهی تحت این فشارهای روحی و جسمی، در عین  
قناعت و سادگی، به گله و شکایت روی می‌آورند. نمونه‌هایی از این ترانه‌ها عبارت‌اند از:  
maške biži se gardân مه‌شکی بژی سی‌گه ردان  
roni denim la bardân رونی دینم له به ردان  
pir bum la hayf u dardân پیر بوم له‌حه یف وده ردان  
hay mâla bâbim maške هه‌ی ماله بابم مه‌شکی  
برگردان: هر روز سه وعده مشک می‌زنم، (مثل اینکه) باید از سنگ کره بگیرم، از  
شدت غصه پیر شدم، ای مشک من، ای عمر من، تو همچون خانه‌پدیری دوست  
داشتنی هستی.

۱. نام منطقه‌ای است.

گاهی همسر یا دلداده شیردوش جوان، از او دور است و او که حال و حوصله  
مشک‌زنی ندارد، چنین ترانه‌ای سر می‌دهد:

âvi sipi kâniya	ئاوی سپی کانیه
vâzim la maškay niya	وازم له مه شکه ی <sup>۱</sup> نیه
hayrânim la mâl niya	حه یرانم له مال نیه

برگردان: آنچه در مشک ریخته‌ام، مثل آب چشمه سفید زلال است، کره نمی‌دهد،  
حوصله مشک‌زنی ندارم، یارم در خانه نیست.

گاه نیز این ترانه‌ها به صورت مشاعره بین دو نفر خوانده می‌شوند و در آنها ضمن  
درد دل با دوستان از مادرشوهر شکایت می‌شود. مشاعره زیر بین لالیخان و پریخان<sup>۲</sup>، از  
این دست ترانه‌های مشک‌زنی هستند.<sup>۳</sup>

مهمان‌نوازی از جلوه‌های بسیار ارزشمند فرهنگ سنتی ساکنان کردزبان است.  
بسیاری از مستشرقان و گردشگران، هنگام مسافرت به مناطق کردنشین، ضمن تجلیل از  
سجایای اخلاقی مردم این مناطق، در توصیف مهمانی و میزبانی کردها، سخن‌ها گفته‌اند  
(سلیمی، ۱۳۹۳: ۲۰۱). در این ترانه‌ها، کدبانوی مشک‌زن، خود را برای پذیرایی از  
مهمانان آماده می‌کند و چنین آوازی سر می‌دهد:

âvi kâni kižana	ئاوی کانی کیژانه
revâsi kali xâna	ریواسی که لی خانه
maške biži diranga	مه شکه بژی دره نگه

۱. جنس مشک از پوست گوساله یا بز است. برای تهیه آن باید پوست را چنان از گوشت و استخوان بدن حیوان جدا کنند که  
کوچک‌ترین درز یا سوراخی در آن ایجاد نشود، بعد پشت و روی پوست را چهار روز در نمک و پونه، و چهار روز در زاج و  
مازوح قرار می‌دهند تا بوی پوست از هر دو طرف کاملاً از بین برود. با این عمل، پوست حیوان، سرخ‌رنگ، نرم و  
انعطاف‌پذیر می‌شود، حتی پوست گردن حیوان چنان نرم می‌شود که به راحتی دهانه مشک بسته می‌شود. به این عمل در  
اصطلاح محلی «خوش کردن» می‌گویند (برگرفته از مصاحبه با زهرا صداقتی فر، ۵۸ ساله، شهرستان مهاباد، ۱۳۸۹/۸/۲۵). برای  
تولید کره، شب هنگام ماست را در مشک می‌ریزند و آن را بیرون اتاق می‌گذارند تا ترش شود. آن گاه صبح زود سه پایه‌ای  
چوبی «سی په ک» برپا می‌دارند و مشک را با سه چوب به هم وصل می‌کنند و به طناب سه پایه می‌بندند. آنگاه دو دختر یا دو  
کدبانوی خانه، مشک را به طور افقی در هوا نگه می‌دارند و به شدت تکان می‌دهند. بعد از مدتی دهانه مشک را باز و ابتدا کره  
و سپس دوغ را از دهانه مشک خارج می‌کنند.

۲. اسامی دخترانه در زبان کردی، خان به معنی خانم است.

۳. برای تکمیل این قسمت از مشاعره علاوه بر مصاحبه، از کتاب *باوی کورده واری* نیز استفاده شده است.

### ترانه‌های کار در منطقه مُکربان ❖ ۱۴۳

šora sivârim mivâna شوره سوارم میوانه  
 برگردان: آب کانی کیژان<sup>۱</sup> است، ریواس دره نیان<sup>۲</sup> است، دیر شده برای مشک زنی،  
 آن سوار زیبا مهمان است. (رسولی، مهاباد، ۱۳۸۹)

meškem meškey giskole مه‌شکه‌م مه‌شکه‌ی گیسکولی  
 âwi sixr-u-sidole ئاوی سیخروسیدولی  
 kurekem helgire zerdole کوره‌که‌م هه‌لگری زه‌ردولی  
 kišekem deče le tole کچه‌که‌م ده‌چی له تولی  
 hey mâle bâbim meške هه‌ی ماله بابم مه‌شکی  
 hey emr-u-čawim meške هه‌ی عه‌مروچاوم مه‌شکی  
 برگردان: مشک من مشک بزغاله یک‌ساله است، آبش از مناطق سیخروسیدول<sup>۳</sup>  
 است، دخترم دنبال تلافی کردن است، ای همه وجودم مشک، ای نوردیدگانم مشک.  
 (اقنود، مهاباد، ۱۳۸۹)

### ۳-۴. ترانه‌های زراعت

زراعت به شیوه سنتی که یادگار سده‌های پیشین است، هنوز هم در بیشتر نقاط کردنشین رواج دارد، اما شیوه مکانیزه نیز که عمر آن به نیم قرن می‌رسد، در روستاهای نزدیک به بخش‌ها و شهرهای بزرگ مورد استفاده قرار می‌گیرد. در گذشته‌های دور که روش‌های کشاورزی، اعم از زراعت و باغداری به طور کامل سنتی بود، کار توان‌فرسا، کشاورز کرد را بر آن می‌داشت که در پیوند با شرایط کار، ترانه‌هایی سر دهد که سینه به سینه، از نسل‌های گذشته برایش به یادگار مانده بود تا به این ترتیب، در برابر کارهای سخت، بردبار و صبور باشد و از خستگی ناشی از بار مشکلات تا حدودی بکاهد. بیشتر ترانه‌های کشاورزی که از ماهیت خود کار سرچشمه گرفته‌اند، به صورت گروهی خوانده می‌شدند و کشاورزان را در به دست آوردن روحیه‌ای بهتر و شاداب‌تر یاری می‌دادند. در ادامه به تعدادی از این نوع ترانه‌ها اشاره شده است:

۱. نام چشمه‌ای است در کردستان به معنی چشمه دختران

۲. نام دره‌ای در کردستان

۳. نام دو منطقه در کردستان

ترانه زیر از زبان زنی است که در ستایش و سپاس از همسر کشاورز و زحمتکش خود چنین سروده است:

daski dâsakat dagrim muru	ده سکی داسه که ت تی ده گرم مورو
dirvenay pe bika la zavi žuru	دروینه ی پی بکه، له زه ویه ی ژورو
daski dâsekat dakam la katan	ده سکی داسه که ت، ده که م له که تان
dirvenay pe bika šoxi mehrabân	دروینه ی پی بکه، شوخی میهره بان
dâsakey dastit zar dâkatawa	داسه که ی ده ستت، زه ر ده کاته وه
xâlay si xarmân ko dakatawa	خه له ی سی خه رمان، کو ده کاته وه
dâsakay dastit polây havrâman	داسه که ی ده ستت، پولای هه ورامان
hayfa bâlâkat šav la sar xarmân	حه یفه بالاکه ت، شه وله سه ر خه رمان

برگردان: دسته داسات را با منجوق می آریم، تا در مزرعه پایین، با آن درو کنی، دسته داس تو را کتان می بندم، تا تو شوخ و مهربان، آسوده با آن درو کنی، دسته داس تو، همچون طلاست، و تو غله سه خرمن را با آن جمع آوری می کنی، داس دست تو از پولاد اورامان است، حیف است مردی چون تو شب بر سر خرمن بخوابد. (نوذری، مهاباد، ۱۳۸۹)

لابه لای همین ترانه ها، گاه نیز مرد دهقان را به دلیل کاهلی و سستی در انجام کار، مورد سرزنش قرار می دهند تا به خود آید و بیش از این حاصل زحماتش به هدر نرود. وسایل و بن مایه های عشقی نیز از همین محیط کشت و زرع انتخاب می شوند. مردان با داس دستی درو می کنند که کاری سخت و طاقت فرساست. دسته داس از چوب است و بر اثر تلاش زیاد باعث آسیب و تاول دست می شود. (محمدزاده، ۱۳۹۶: ۲۷۷ - ۲۷۶).

زن این زخم را با اشعار کار درمان می کند. یکی از مشهورترین ترانه های کار در بین مردم کرد، ترانه خاله ریووار<sup>۱</sup> است؛ کمتر کسی در میان مردم منطقه پیدا می شود که با این ترانه آشنایی نداشته باشد. این ترانه کار را یکی از خوانندگان مشهور کرد (حسن زیرک) خوانده است.

۱. xâloy rebwâr: دای ریوگدر

ترانه‌های کار در منطقه مَکریان ❖ ۱۴۵

مَکریان

شماره ۶۳ زمستان ۱۳۹۹

vay kâki jutyâr	وهی کاکی جوتیار
birâkem juti bikâ ba dâr	براکهم جوتی بکا به‌دار
mivântim mândom	میوانتم ماندووم
ay vay bâ biroin barav mâl	ئه‌ی وهی با بروین به‌ره و مال
ay kâki rebvâr	ئه‌ی کاکی ری‌بوار
ay vay regâ nâzanim	ئه‌ی وهی ریگا نازانم
rem pe nišân da	ریم پی نیشان ده
vallâ xalki erânim	وه‌للا خهلکی ئیرانم
amân amân ay hâvâr yârân ây	ئه‌مان، ئه‌مان، ئه‌ی هاوار، یاران، ئای
vay kâki jutyâr	وهی کاکی جوتیار
birâkam jutit ba kâr be	براکهم جوتت به‌کاری
xala-u- xarmânit	خه‌له و خه‌رمانت
yâ reb bereket der be	یاره‌ب / به‌ره‌کعت ده‌ربی
ra-u-kâki rebvâr	ری وکاکی ری‌بوار
ay vay rem kavta dore	ئه‌ی وهی، ریم که‌وته دوریه
tošim bu ba toš	توشم بو به توش
či bikem havri la goli	چبکه‌م هه‌وری له‌گولی
xo kâki jutyâr	خوکاکی جوتیار
birâza giyân rangit zard zarda	برازاگیان ره‌نگت زه‌رد / زه‌رده
ba je daykeli	به‌جی ده‌ی کیلی
hâvar av kev-u-harda	هاوار ئه‌و کیو و هه‌رده
ay xâley rebvâr	ئه‌ی خاله‌ی ری‌بوار
ay vay regâ nâzânim	ئه‌ی وهی ریگا نازانم
rem pe nišân da	ریم پی نیشان ده
ay vay kalki bokânim	ئه‌ی وهی خهلکی بوکانم

برگردان: ای برادر کشاورز، برادرم محصولش به دار است، مهمانتم / خسته هستم، بیا به طرف خانه برویم، ای برادر رهگذر، من راه را بلد نیستم، راه را به من نشان بده، به خدا اهل ایران هستم، امان، امان، ای هوار، یازان، آی، ای برادر کشاورز، برادرم / ان شاء الله محصول خوبی داشته باشی، و برکت به محصولت افتد، راه است وای برادر رهگذر، ای داد که گذرم به راه دور افتاده است، گذرم به گذری افتاده است، چه کارکنم، ابرش از گل است، ای برادر کشاورز، رنگ رخسارت زرد زرد است، به جا، زمین را درو می‌کنی، داد، این کوه و زمین، ای دایی رهگذر، ای داد من راه را بلد نیستم، راه را نشانم بده<sup>۱</sup>، ای داد، من اهل بوکان هستم. (خضری و آلی، مهاباد، ۱۳۸۹)

#### ۴-۴. ترانه‌های همیاری<sup>۲</sup>

کار گروهی یا «هه‌وه‌ه‌ه» از سنت‌های کهن زندگی کشاورزی در میان مردم کرد است. بسیاری از ترانه‌های کشاورزی ترانه‌هایی هستند که مردان و زنان هنگام کارهای گروهی کشاورزی می‌سرایند. یکی از این کارها که با همیاری کشاورزان انجام می‌شود، تهیه بلغور یا ساوار است. بلغور یکی از مواد غذایی پرمصرف مناطق کردنشین است که از پختن گندم و کندن پوست آن با پتک‌های چوبی به دست می‌آید. کشاورزان هنگام کوبیدن آن، ترانه‌ای می‌خوانند و در آن، همدیگر را به تاب و توان بیشتر دعوت می‌کنند (سلیمی، ۱۳۹۳: ۱۷۸-۱۷۹). ده‌سکه‌نه<sup>۳</sup> نیز نوعی همکاری دسته‌جمعی برای کندن حبوبات است.

پیاهوی له‌مه‌زرایه	piyâwi le mazrâya
مه‌درو به گهرمایه	madru ba garmâya
به‌خومت دیمه لایه	ba xomit dema lâya
برگردان: ای مرد کشاورز، در این گرما درو نکن، خودم برایت سایبان می‌شوم.	
بالات له پهریزی	bâlât be parezi
باقان بکه‌ریزی	bâqân bika rezi

۱. جهت تکمیل ترانه از کتاب *ترانه‌های کردی صغی‌زاده* (۱۳۷۵) نیز استفاده شده است.

۲. herevahaz همیاری

۳. daskane. غالباً جمع‌آوری نخود رسیده، یکی از کارهایی است که می‌تواند به شیوه دسته‌جمعی انجام شود.



## ترانه‌های کار در منطقه مَکربان ❖ ۱۴۷

šamsaddin bitpâreze

شمس‌الدین بتپاریزی

برگردان: خداوند نگهدارت باد، دسته محصولاتت را به ترتیب بگذار، شمس‌الدین نگهدارت باد. (آفانی، مهاباد، ۱۳۸۹)

### ۴-۵. باللوره<sup>۱</sup>

در فصل بهار در مناطق کردنشین، گونه‌هایی از گیاهان خودروی محلی رشد می‌کنند که برای غذاهای مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرند. برای جمع‌آوری این گیاهان، دختران و زنان به صورت دسته‌جمعی به مناطقی که گیاهان در آنجا رشد می‌کنند، می‌روند و دسته‌جمعی ترانه می‌خوانند. ترانه‌ها بیشتر حالت مشاعره بین دختران و پسران جوانی دارند که برای شیردوشی یا کارهای زراعت و جمع‌آوری گیاهان خوراکی گرد آمده‌اند. در نوعی از این مشاعره که به «باللوره» مشهور است، هنگام پایین آمدن از نقاط بلند، با انگشتان دست به گلوی خود آرام ضربه می‌زنند تا صدایی لرزان و آهنگین از گلو بلند شود؛ گاه نیز مشاعره بین آنها حالت تدافعی به خود می‌گیرد. (حاجی، مهاباد، ۱۳۹۹)

در زیر به نمونه‌ای از این نوع مشاعره‌ها که خاص مناطق کردنشین است، اشاره می‌شود:

bâllor ba levân

باللوره‌ی به لیوان

šaqay tula mevân

شقه‌ی توله میوان

šav xoše la ceyân

شه و خوشه له کیوان

bâllor ba šamâli

باللور به شه‌مالی<sup>۲</sup>

ba ruhi šeyx kamali

به روحی «شیخ که‌مالی»

hâšâ la kura xâli

حاشا له کوری خالی

kiži harabimi

کیژی حه‌ره‌بیمه

bažin dâra bima

به‌ژن داره بیمه

#### 1. bâllore

۲. شه مال وزریان: بای شه مال، بای زریان. در زبان فارسی باد از هر طرفی بیاید به نام آن سمت است، ولی در کردی باد به هر سمتی که می‌رود به همان نام خوانده می‌شود. باد شمال بادی است که از سمت جنوب به سمت شمال می‌آید و بای زریان، بادی است که از سمت شمال به سمت جنوب می‌آید.

ba to râzi nima	به تو رازی نیمه
šiwânakay ba reva	شوانه‌ک‌ه‌ی به ریوه
kisa u qana pewa	کیسه و قه‌ننه پیوه
mâči ka av leva	ماچی که ئه‌ولیوه
darvâ barav kivistân	ده روا به‌ره و کویستان
mamki qit râvastân	مه‌مکی قیت راوه‌ستان
bun ba bâx u bestân	بوون به باخ و بیستان
la bo xizmu dostân	له‌بو خزم و دوستان

برگردان: صدای درختان مو، شب به سر بردن در کوه‌ها خوش است، بالور همراه باد جنوب، به روح شیخ کمال قسم، حاشا از پس‌دای‌اش، دختر عربی هستم، اندامم مانند درخت بید<sup>۱</sup> (بالا بلند) است، تو را نمی‌خواهم، این چوپانی که در راه است، کیسه و قلیان دارد، به طرف کوهستان می‌رود، تبدیل به باغ و بوستان شدند، برای دوست و فامیل. (حاجی، مهاباد، ۱۳۸۹)



تصویر ۲. نشسته از طرف راست: فاطمه اقنود، اسماعیل بهرام‌نژاد و لطیف

عادلخانی، روستای قویتل: ۱۳۸۹/۹/۱۰

## ۶-۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

آواهای کار با وجود نزدیکی در مضامین، به طور معمول، با توجه به فرهنگ‌های مختلف، تفاوت‌هایی نیز با یکدیگر دارند.

یکی از مشخصه‌های آواهای کار، همچون اغلب بخش‌های ادب عامه، ناشناس بودن سرایندگان آنهاست. گاه اشعار معروفی که زبازد شده و به صورت مثل درآمده‌اند، به آواهای کار مردم منطقه‌ای راه یافته‌اند، اما خالقان عمومی آواهای کار ناشناخته‌اند. از طرفی، آواهای کار همواره در حال تغییر و دگرگونی هستند و با گذشت زمان و تغییر روحيات استفاده‌کنندگان آنها با تغییراتی همراه می‌شوند؛ به همین دلیل می‌توان ادعا کرد که آواهای هر نسل، تا حدودی بیان‌کننده احساسات و روحيات همان نسل‌اند. اما جالب اینجاست که «مختصات کلی آواها و مضامین آنها، با عبور از نسلی به نسل دیگر، کمتر تغییر می‌کند و همین مشخصه‌ها می‌توانند به شناسایی اقوامی که در کلیات مفاهیم فرهنگی با یکدیگر قرابت بیشتری دارند، کمک کند». (حنیف، ۱۳۸۶: ۴۱)

این ترانه‌های مردمی که اغلب سرایندگان آنها گمنام هستند، به مناسبت‌های مختلفی سروده می‌شدند و در مجالس سور و سوگ، بزم و رزم، هنگام کار و تلاش و ... از سوی مردم حفظ، خوانده و تکرار می‌شدند؛ چنان که هنوز هم ادامه دارند و تکرار می‌شوند. این ترانه‌ها در حقیقت بازتابی از افکار و عقاید و روحيات و باورداشت‌های مردم این سرزمین‌اند و با طبیعت بکر و زیبا و محیط زندگی و فعالیت‌هایشان پیوندی تنگاتنگ دارند.

در فرهنگ کردی، از زمان تولد تا مرگ، موسیقی همواره با زندگی روزمره مردم عجین بوده است. کشاورزی و کارهای برداشت محصول نیز با آواز مخصوصی همراه است. در موسیقی کار برای آقایان، بیشتر در مواقع درو کردن، کشاورزی و دامداری، چوپان‌ها آوازهای خاصی را می‌خوانند که اغلب در ریتم‌های سه‌چهار و دستگاه شور است. از نظر قالب نیز، اشعار به صورت هجایی و ضرب‌آهنگ، متناسب با ریتم کاری است که دروگر انجام می‌دهد. با توجه به اینکه دروگر در طول کار خسته می‌شود، اشعار و طول مصرع‌ها باید کوتاه باشند تا آهنگ یا ترانه‌ای که خوانده می‌شود، به

صورت بریده بریده اجرا شود. موضوع شعر حالتی دارد که باعث تشویق کارگروهی و ترغیب دروگران به تلاش بیشتر می‌شود. با توجه به اینکه دروگر موقع شخم زدن از گاو نر و گاو آهن استفاده می‌کند، فرصت بیشتری دارد تا با نفس طولانی‌تری به ترانه خواندن ادامه دهد. بنابراین، ترانه‌ها از نظر قالب، نحوه اجرا و ملودی، شباهت زیادی به ترانه‌های معمولی محلی دارند. یکی از ترانه‌های مشهور کار، «خاله ریوار» است که در منطقه رواج زیادی دارد و کشاورزان هنگام شخم زدن، آن را می‌خوانند (آلی، مهاباد، ۱۳۸۹). برداشت محصول کار نهایی کشت و زرع به شمار می‌رود. کشاورزان به همراه خانواده خود، حاصل زحمات چندین ماهه را با مسرت و شادی برداشت می‌کنند. کشاورزی و کارهای برداشت محصول نیز با آواز مخصوص همراه است.

با توجه به رویکرد تفسیری گیرتزر در شرح و تحلیل این ترانه‌ها و کارآواها می‌توان گفت که ترانه‌های کار در منطقه مکریان، در نگاه اول، تصویری ساده از زندگی انسان را در شرایط خاص اجتماعی ترسیم می‌کنند. با نگاهی به حجم آنها می‌بینیم که زنان در کنار تولید گیاه، نان و کره، فرزندآوری و فرزندپروری؛ در تولید فرهنگ عامه و ادبیات شفاهی نیز نقش مهمی دارند؛ زیرا عمده اشعار و کارآواها از سوی آنان خوانده می‌شود. اهمیت اقتصاد در زندگی کلی زنان حیاتی است؛ آنان هنگام شیردوشی و مشک‌زنی، از اهمیت شیر و کره برای تداوم زندگی حرف می‌زنند، اما در کنار آن از یار نیز سخن به میان می‌آورند، از مقاومت در مقابل ناملايمات می‌گویند و از انتخاب نکردن عشق شکایت می‌کنند. وقتی به معنای درونی ترانه‌ها توجه می‌کنیم، می‌بینیم که زنان و دختران با خواندن آنها، علاوه بر توصیف طبیعت و انسان، از رازهای خویش نیز پرده برمی‌دارند و به شیوه‌ای آرام، و از طریق این هنر جامعه را به نقد می‌کشند. ترانه‌ها و محتوای آنها ربط وثیقی با متن اجتماعی دارد (محمدزاده، ۱۳۹۶: ۲۸۲). اندیشه زن روستایی یا عشایری که در حال دوشیدن گوسفندان است؛ فضای ذهنی و نگاه او به جهان پیرامون، در ترانه‌هایی انعکاس می‌یابد که نسل به نسل از زمان‌های بسیار دور خوانده شده و به آرامی تغییر یافته‌اند. انسان‌شناسی هنری نیز با بررسی این تولیدات هنری می‌تواند توصیف و درک هنرمندانه انسان‌ها را از خلال این ترانه‌ها بازیابد. نکته قابل توجه درباره ترانه‌های کار عامیانه این است که این ترانه‌ها افزون بر اینکه خود

فی‌نفسه فرآورده‌های فرهنگی هستند، ابزار مؤثر و مفیدی در انتقال عناصر فرهنگی مختلف، فنون، ارزش‌ها، هنجارها و باورها از نسلی به نسل دیگر و نشانه‌های گویایی از دادخواهی‌ها، نارسایی‌ها و دشواری‌های زندگی اقشار و طبقات جامعه در زمان گذشته به شمار می‌روند. از آنجا که ترانه‌های عامیانه با آهنگ خاص خود خوانده می‌شوند، ضبط این ترانه‌ها می‌تواند در حفظ هویت ملی مفید واقع شود.

### ۵. جمع‌بندی

آواهای کار که جزئی از ادبیات عامه و شفاهی مردم محسوب می‌شوند، با وجود نزدیکی در مضامین، به طور معمول، با توجه به فرهنگ‌های مختلف، تفاوت‌هایی نیز با یکدیگر دارند. هدف از نگارش مقاله حاضر، بازسازی بعضی از ترانه‌های کار برای استفاده برنامه‌ای بوده است. به این ترتیب تلاش شده است تا نمونه‌های مختلف ترانه‌ها، بخشی به صورت میدانی و بخشی به صورت اسنادی، در شاخه‌های مختلف گردآوری، دسته‌بندی و به لحاظ معانی بررسی شوند. بسیاری از اشعار به صورت میدانی و از زنان کرد جمع‌آوری و ثبت شده‌اند.

ترانه‌ها ابتدا به زبان اصلی نوشته، سپس آوانگاری و در نهایت، به فارسی ترجمه شده‌اند. در ترجمه نیز بنابر حفظ مفهوم و اصالت شعر بوده و بحث زیباشناختی در نظر گرفته نشده است. پژوهشگر در بخش مصاحبه، به میدان تحقیق رفته و ترانه‌های کار را به طور مستقیم ضبط کرده است. چارچوب نظری مورد استفاده در این مقاله، روش تفسیری گیرت‌ز بوده است.

ترانه‌های کار از ژانرهای بسیار رایج فولکلورند و بیشتر آنها در میان روستاییان و تیره‌های گونه‌گون اقوام کاربرد دارند. ویژگی اصلی ترانه‌ها، سادگی آنهاست. این سادگی در ضرب‌آهنگ، ملودی و شعر آنها خود به خود رعایت می‌شود، چرا که عموماً ساخته عوام‌اند یا برای عامه مردم ساخته شده‌اند. تنها پناهگاه و مرکز حفظ و اشاعه آنها نیز پسند توده و ذهن همان مردمی است که این ترانه‌ها را گرامی می‌دارند و نسل به نسل منتقل می‌کنند. همچنین برخی آواها مختص یک فرهنگ خاص‌اند اشعار شبیه به آنها در دیگر مناطق به چشم نمی‌خورد.

ترانه‌های کار اغلب مربوط به مشاغلی هستند که در روستا و در فضای باز، از سوی زنان خوانده می‌شوند، اما برخی از کارآواها نیز از زبان مردان و برخی دیگر مانند ترانه‌های ویژه بافندگی‌ها در فضاها بسته، خواننده و اجرا می‌شوند. آواهای کار نمودی متنوع و گوناگون از حقیقت کارند و آنها را می‌توان در اقلیم، نحوه زیست، علایق و احساسات اقوام ایرانی و نیز در ماهیت حرفه‌ها و اصناف استان‌های مختلف باز شناخت.

### منابع

- آذین‌فر، محمود (۱۳۶۱). *دایرةالمعارف مصور*. تهران: وزین.
- آریان‌پور، امیرحسین (۱۳۵۴). *تحقیق اجمالی درباره جامعه‌شناسی هنر*. تهران: انجمن کتاب دانشجویان.
- آراین‌پور، یحیی (۱۳۸۲). *از نیما تا روزگار ما*. تهران: زوار.
- ابراهیمی محمدی، محمدصالح (۱۳۷۴). *باوی کورده‌واری (آداب و رسوم کردها)*. تهران: چاپ اندیشه.
- بیات، عزت‌الله (۱۳۷۹). *کلیات جغرافیایی طبیعی و تاریخی ایران*. تهران: امیرکبیر.
- پایانی، صلاح (۱۳۸۱). *کانی مرادان (چشمه آرزوها)*. ارومیه: صلاح‌الدین ایوبی.
- تمیم‌داری، احمد (۱۳۹۳). *فرهنگ عامه*. تهران: مهگامه.
- حنیف، محمد (۱۳۸۶). «آواهای کار اقوام و همبستگی ملی». *فصلنامه فرهنگ مردم ایران*. شماره ۱۱، صص ۴۹ - ۳۸.
- حنیف، محمد: *آنی‌زاده، علی (۱۳۸۶)*. «آواهای کار اقوام ایرانی با تأملی بر نقش آواهای کار در اتحاد ملی». *گزارش پژوهشی*. تهران: مرکز تحقیقات.
- خضری، سعید (۱۳۷۹). *جغرافیای طبیعی کردستان موکریان*. تهران: ناقوس.
- داورپناه، افشین (۱۳۸۲). «سنخ‌شناسی موسیقی در فرهنگ بختیاری». *فصلنامه موسیقی مهور*. سال ششم، شماره ۲۱، صص ۹۶ - ۷۹.

ترانه‌های کار در منطقه مَکریان ❖ ۱۵۳

- روژیانی، جمیل (۱۳۸۱). فرمانروای مَکریان در کردستان از دوران باستان تا عصر قاجار. ترجمه شهباز محسنی. تهران: آنا.
- زکی‌بیگ، محمدمین (۱۳۸۹). زبده تاریخ کرد و کردستان. ترجمه یدالله روشن. تهران: توس.
- سفیدگر شهنقی، حمید (۱۳۸۸). ترانه‌های کار در آذربایجان. تهران: اداره کل پژوهش‌های رادیو.
- سلیمی، هاشم (۱۳۹۳). ترانه و ترانه‌خوانی در فرهنگ مردم کرد. تهران: سروش.
- شاربازی، عوسمان (۱۹۸۵). گه نجینه‌ی گورانی کوردی (گنجینه ترانه‌های کردی). بغداد: الزمان.
- صفی‌زاده، فاروق (۱۳۷۵). پژوهشی در ترانه‌های کردی. تهران: ایران جام.
- عبدلهی موگوئی، احمد (۱۳۷۲). ترانه‌ها و مثل‌های بختیاری. اصفهان: مؤسسه فردا.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۹۲). «ترانه‌های کار، کارآوای از یاد رفته کارورزان و استادکاران». فصلنامه علوم اجتماعی. شماره ۱۱ و ۱۲. صص ۱۱۱-۱۴۴.
- محمدزاده، حسین (۱۳۹۶). «نوع و محتوای ترانه‌های کار در استان کردستان». دوفصلنامه دانش بومی. شماره ۷، بهار و تابستان، صص ۷۵-۱۰۶.
- مکرری، محمد (۱۳۲۹). گورانی یا ترانه‌های کردی. تهران: دانش.
- Bascom William R. (1965). *Folklore and Anthropology*, Englewood, cliff, prentice Hall.

راویان

- آفانی، فاطمه، ۷۶ ساله، قویتل
- آلی، عزیز، ۴۵ ساله، مهاباد، آذربایجان غربی، ۱۳۸۹/۱۰/۱۵
- پراولاد، آمنه، ۶۹ ساله، مهاباد، آذربایجان غربی
- فاطمه، اقنود، ۶۷ ساله، مهاباد، آذربایجان غربی، ۱۳۸۹/۹/۱۰

❖ ۱۵۴ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

- صلاح، خضری، ۳۶ ساله، مهاباد، آذربایجان غربی، ۱۳۸۹/۱۰/۱۵
- آیشه، رسولی، ۶۷ ساله، قویتل، مهاباد، آذربایجان غربی، ۱۳۸۹/۹/۱۰
- حاجی، زهره، ۴۱ ساله، مهاباد، آذربایجان غربی، ۱۳۹۹/۵/۱۳.
- معروف پور، مروت، ۷۵ ساله، مهاباد، آذربایجان غربی، ۱۳۸۹/۹/۱۰
- نوذری، زرین، ۶۰ ساله، مهاباد، آذربایجان غربی، ۱۳۸۹/۶/۳۰

فرهنگ  
مردم  
ایران

شماره ۶۳ زمستان ۱۳۹۹

